

مجموعه مقالات

چهارمین کنگره
بین المللی
علوم انسانی
اسلامی

کمیسیون تخصصی
علوم سیاسی اسلامی

[۴]

فهرست مطالب

کمیسیون تخصصی
علوم سیاسی اسلامی

۹

دو رویکرد متفاوت به قیام برای خدا در سیاست (با تأکید بر سوره سبأ)
سید محمود طیب حسینی، محمد شجاعیان

۲۹

نسبت فلسفه سیاسی و صنعت در تمدن اسلامی
مهدی طاهری

۵۷

تبیین مفهوم و مؤلفه‌های شهروندی در فلسفه سیاسی ارسطو و فارابی
محمدحسین خلوصی

۸۳

نخبگان شیعه و قاعده نفی سبیل در انقلاب مشروطه
(تلفی‌های مختلف از قاعده نفی سبیل از دیدگاه فقهای عصر مشروطه)
حجت‌الله علی‌محمدی، محمدرضا طاهری، محمد شجاعیان

۱۰۹

فرایند تربیت سیاسی در نظام اسلامی
محمدحسین خلوصی

۱۳۷

نقش آموزه‌های فقهی در طراحی راهبرد امنیتی و نظامی جمهوری اسلامی ایران
نجف لک‌زایی، محمدعلی همدانی

۱۶۱

شاخص‌های فرهنگ سیاسی مطلوب در اسلام
محمدجواد نوروزی، سیدعزت‌الله احمدی

۱۸۵

نسبت‌سنجی میان حق و عدالت سیاسی با تأکید بر قرآن کریم
سید کاظم سیدباقری

۲۰۵

انسان‌شناسی عدالت؛ بررسی تطبیقی آرای آیت‌الله جوادی آملی و جان رالز
محمدرضا طاهری

۲۲۹

هستی‌شناسی عدالت؛ بررسی تطبیقی آرای آیت‌الله جوادی آملی و جان رالز
محمدرضا طاهری

دو رویکرد متفاوت به قیام برای خدا در سیاست (با تأکید بر سوره سبأ)

سید محمود طیب حسینی

دانشیار گروه قرآن پژوهی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ایران، قم

tayebh@rihu.ac.ir

محمد شجاعیان

استادیار گروه علوم سیاسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ایران، قم

shojaiyan@rihu.ac.ir

چکیده

یکی از مهم‌ترین کارویژه‌هایی که می‌توان برای قرآن کریم در نظر گرفت، صورت‌بندی مبانی نظری جنبش‌های اجتماعی و سیاسی است. پژوهش حاضر به بررسی یکی از مبانی نظری برجسته با عنوان «قیام برای خدا» در عرصه سیاست و حکومت از منظر قرآن کریم با تأکید بر آیه ۴۶ سوره سبأ پرداخته که در آن از ضرورت قیام برای خدا سخن گفته شده است. پژوهش حاضر به روش تحلیلی-توصیفی ضمن بررسی رویکرد مشهور در تفسیر این آیه، که مقصود آیه را قیام برای خدا در همه امور اجتماعی می‌داند، از رویکرد دیگری دفاع می‌کند که مقصود از قیام برای خدا را، دوری گزیدن از تجمعات سیاسی-اجتماعی به منظور تخریب چهره حکومت دینی به‌ویژه حاکم مشروع و فقیه جامع‌الشرایط اسلامی دانسته است. مطابق این رویکرد، آیه شریفه عموم انسان‌ها را به موعظه‌ای اساسی توصیه می‌کند: دو نفر دو نفر و یا تک‌تک با دوری از هر گونه تجمعات

غوغاسالارانه و سیاسی که با ابزار تحریک احساسات، فرصت اندیشه آزادانه را از انسان سلب می‌کند بازایستند؛ سپس درباره شخصیت پیامبر و رهبران و مصلحانی که داعیه دعوت به خدا و دین دارند و گذشته و حال آنان تفکر کنند، تا حقانیت آنها برایشان آشکار شود. نتیجه نهایی تحقیق، بر اساس مبانی مسلم تفسیری این است که هر دو برداشت در تفسیر آیه صحیح است و به تقویت حکومت دینی به‌ویژه حاکم مشروع اسلامی می‌انجامد.

کلیدواژگان: قرآن، سیاست، حکومت اسلامی، قیام برای خدا، رهبری، تجمع سیاسی.

مقدمه

قرآن کریم مهم‌ترین منبع معرفتی برای دانش‌های مختلف دینی از جمله دانش سیاسی اسلامی است. تأثیر آموزه‌های سیاسی قرآن در شکل‌دهی به جنبش‌های سیاسی و اجتماعی یکی از موضوعات عمده در بررسی نقش قرآن در ایجاد تحول اجتماعی در اجتماعات مسلمانان است. در این میان، صورت‌بندی مبادی و مبانی نظری جنبش‌های اجتماعی و سیاسی یکی از مهم‌ترین کارویژه‌هایی است که می‌توان برای قرآن کریم در نظر گرفت. پژوهش حاضر یکی از این مبانی نظری برجسته، با عنوان «قیام برای خدا» را در عرصه سیاست و حکومت، از منظر قرآن کریم بررسی می‌کند. از یک منظر می‌توان سه مؤلفه مبانی نظری، رهبری و بسیج سیاسی و اجتماعی را عوامل لازم برای شکل‌گیری یک جنبش سیاسی اجتماعی دانست. مقصود از مبانی نظری در این بحث در واقع دلایلی است که ایجاد یک جنبش و تغییر وضع موجود به نفع وضع مطلوب را موجه و مستدل می‌کند و کنشگران سیاسی را مجاب می‌سازد تا با ایجاد جنبشی سیاسی و اجتماعی از وضع موجود که نامطلوب است به سمت وضع مطلوب حرکت کنند. اهمیت این موضوع تا آنجاست که جامعه ایران به عنوان یک اجتماع مسلمان در دهه‌های پایانی قرن بیستم با تمسک به مبانی نظری برگرفته از ارزش‌های اسلامی، همچون «قیام برای خدا»، توانست یک انقلاب سیاسی اجتماعی موفق و تأثیرگذار را رقم زند. یکی از آیات برجسته و صریح قرآن که در آن اشکارا از ضرورت قیام برای خدا در عرصه سیاست سخن به میان آمده است، آیه ۴۶ سوره سبأ است. پژوهش حاضر به بررسی دو برداشت برجسته از موضوع قیام برای خدا در عرصه سیاست و حکومت که یکی مشهور و دیگری غیر مشهور است پرداخته، درستی آنها را ارزیابی می‌کند.

۱. تفسیر قیام برای خدا در قرآن با تأکید بر آیه ۴۶ سوره سبأ

آیه ۴۶ سوره سبأ یکی از آیات برجسته قرآن کریم است که موعظه واحدی را گوشزد می‌کند: «نَقُلْ إِنَّمَا أَعْطُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ نَفْسِكُمْ وَأَنْ تَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ» «بگو من به شما فقط یک اندرز می‌دهم که دو دو و به تنهایی برای خدا قیام کنید؛ سپس بیندیشید که همنشین شما [حضرت محمد ﷺ] هیچ گونه جنونی ندارد، او شما را از عذاب سختی که در پیش است جز هشدار دهنده‌ای [بیش] نیست». درک صحیح پیام این آیه و موعظه مطرح شده در آن، یعنی قیام برای خدا، اهمیت بالایی دارد. آرای مفسران در این باره در سه بخش قابل پیگیری است: معنای موعظه، معنای «أَنْ تَقُومُوا» و مقصود از ثنا و فرادا، که از این میان شناخت معنای «قیام» در درک پیام آیه نقشی تعیین کننده دارد. بر این اساس با توجه به لغت، سیاق، فضای نزول و مخاطبان حقیقی آیه، تلاش می‌شود تفسیر دقیقی از معنای «قیام» در این آیه ارائه شود.

مفسران، «وَاحِدَةً» را در آیه «قُلْ إِنَّمَا أَعْطُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ»، صفت برای موصوف محذوف یعنی «موعظه واحده»، «کلمه واحده»، «قضیه واحده» و امثال آن دانسته‌اند؛ اما در تفسیر مقصود از «وَاحِدَةً» سه دیدگاه متفاوت ارائه شده است: بعضی مفسران مقصود از موعظه واحده را در این آیه شریفه باور به توحید و اطاعت از خدای تعالی دانسته‌اند (رازی، ۱۴۲۰، ص ۲۱۴/۲۵؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۲۴۰)؛ اما بیشتر مفسران مقصود از موعظه واحده در آیه شریفه را همان قیام برای خدا «أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ» دانسته‌اند (ثعلبی، ۱۴۲۲: ج ۸، ص ۹۳؛ بغوی، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۶۸۵؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۵۸۹؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۴۲۵؛ ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۶، ص ۸۲؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۴، ص ۲۵۱؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۶، ص ۴۶۴؛ شریف لاهیجی، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۶۹۸-۶۹۹؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۱، ص ۳۲۷؛ ابن عاشور، بی تا، ج ۲۲، ص ۹۳؛ طیب، ۱۳۷۸، ج ۱۰، ص ۵۷۷). تفسیر نخست با اشکالاتی روبه‌روست؛ چراکه هیچ گونه شاهد ادبی برایش ذکر نشده و با قواعد عربی ناسازگار است. بنابراین دیدگاه صحیح در معنای «موعظه وَاحِدَةً»، همان دیدگاه اکثر مفسران است که می‌گوید مقصود از موعظه واحد در «إِنَّمَا أَعْطُكُمْ بِوَاحِدَةٍ»، همان توصیه به قیام است.

«أَنْ تَقُومُوا» که فعل مضارع و منصوب به «أَنْ» می‌باشد، از ماده «قَامَ، يَقُومُ، قِيَامًا»، در لغت در معانی مختلفی به کار رفته است؛ از جمله به معنای ایستادن بر روی پا در مقابل جلوس و قعود (ابن سیده، بی تا، ج ۶، ص ۵۸۸؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱۲، ص ۴۹۶). این کلمه مجازاً به معنای

اقدام به انجام عمل و اصلاح نیز به کار می‌رود، ولو اینکه در آن ایستادن روی دو پا نباشد (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۶۱۹؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۵۸۹). بسیاری از مفسران برای قیام در این آیه معنای خاصی ارائه نداده‌اند، بلکه در تفسیر آیه، از همان واژه «قیام» استفاده کرده‌اند و به تبیین و توضیح آن نپرداخته‌اند (مقاتل، ۱۴۲۳، ج ۳، ص ۵۳۷؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۲، ص ۷۰-۷۱؛ طوسی، بی تا، ج ۸، ص ۴۰۵-۴۰۶؛ ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۶، ص ۸۲؛ سیدبن قطب، ۱۴۱۲، ج ۵، ص ۲۹۱۴). از بررسی نظر مفسران دو معنای اصلی و متفاوت می‌توان برای این عبارت معرفی کرد که موجب دو برداشت مختلف از آیه شریفه شده است: معنای نخست که در دوره معاصر از شهرت فراوانی برخوردار شده، قیام و نهضت و انقلاب‌های اجتماعی در جامعه علیه باطل است و دیگری توقف و بازایستادن از حرکت کورکورانه و کنار کشیدن از اجتماعات سیاسی علیه پیامبر (رهبران دینی). در ادامه مستندات هر یک از این دو معنا را ذکر می‌کنیم.

۲. رویکرد مشهور به قیام برای خدا در عرصه سیاست

در رویکرد ایجابی، واژه قیام در این آیه به معنای شکل‌دهی جنبش‌ها و نهضت‌های سیاسی و اجتماعی و مبارزه علیه باطل در نظر گرفته می‌شود. ظاهر عبارات برخی صاحب‌نظران آن است که «قیام» را به معنای انقلاب علیه طاغوت و برپایی نهضت علیه حکومت‌های باطل دانسته‌اند؛ به این معنا که این آیه، مسلمانان را به قیام و جهاد علیه باطل فراخوانده است. امام خمینی علیه السلام جهاد حضرت علی علیه السلام در برابر معاویه و همچنین قیام امام حسین علیه السلام علیه یزید را از نمونه‌های قیام لله که در آیه بدان امر شده توصیف کرده است (موسوی خمینی، بی تا، ج ۸، ص ۸-۱۰). ایشان در جای دیگر با اشاره به شرایط مکه و مدینه در صدر اسلام چنین گفته‌اند:

با اینکه [پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله] هیچ در دست نداشت و تمام قوای قدرتمندان بر خلاف او بود، به طوری که در مکه نمی‌توانست به طور علنی دعوت کند، لکن مایوس نمی‌شد از اینکه نمی‌تواند علناً مردم را دعوت کند. مایوس نبود. دعوت زیرزمینی بود. یکی یکی آنها را به خود جذب کرد، تا وقتی که تشریف بردند به مدینه، مأمور شدند که مردم را دعوت کنند به قیام: «قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ» در اینجا دعوت به قیام است (موسوی خمینی، بی تا، ج ۷، ص ۲۴۴-۲۴۵).

باز در جای دیگر می‌گویند:

«قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَى وَفُرَادَى»؛ خداوند تعالی می‌فرماید که به مردم

ابلاغ کن که من شما را به یک چیز دعوت می‌کنم، موعظه به یک چیز... این یک موعظه باید سرآمد تمام موعظه‌هایی باشد که خدای تبارک و تعالی فرموده است و انبیا و اولیا و همین‌طور هم هست، این یک موعظه این است که **أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ قِيَامًا** و نهضت کنید برای خدا... اهل معرفت می‌گویند که اول منزل سلوک، «یَقِظُهُ» است؛ یعنی «بیداری». و به همین آیه تمسک می‌کند خواجه عبدالله انصاری از منازل السائرین- که منازل اهل سلوک را ذکر می‌کند- اول منزل را منزل «یَقِظُهُ»، منزل بیداری ذکر می‌کند. و این آیه شریفه را هم شاهد می‌آورد که خدا فرموده است **أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ**. ایشان تعبیرش این است که یعنی بیدار بشوید، بیدار شدن هم یک قسم از «قیام» است؛ و تمام نهضت‌هایی که در عالم واقع می‌شود، آن هم قیام است... (موسوی خمینی، ۱۳۸۷، ص ۳۵۱).

مؤلف تفسیر نمونه نیز همسو با این برداشت می‌نویسد:

در این آیه به خمیرمایه همه تحولات و دگرگونی‌های اجتماعی و اخلاقی و سیاسی و اقتصادی و فرهنگی اشاره کرده، و در جمله‌هایی بسیار کوتاه و پرمحتوا می‌گوید: «به آنها بگو من تنها شما را به یک چیز اندرز می‌دهم، و آن اینکه برای خدا قیام کنید. دو نفر، دو نفر، یا یک نفر، یک نفر، سپس اندیشه کنید» **«قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنِي وَفُرَادَى ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا»**.

ایشان سپس ذیل توضیح ده نکته از آیه شریفه می‌نویسد:

۱. تعبیر به «واحدة» (تنها یک چیز) اشاره‌گویایی است به این واقعیت که ریشه تمام اصلاحات فردی و جمعی به کار انداختن اندیشه‌هاست. مادام که فکر ملتی در خواب است، مورد هجوم دزدان و سارقان دین و ایمان و آزادی و استقلال قرار می‌گیرند؛ اما هنگامی که افکار بیدار شد، راه بر آنها بسته می‌شود؛

۲. تعبیر «لله» بیانگر این معناست که قیام و آمادگی باید انگیزه الهی داشته باشد، و تفکری که از چنین انگیزه‌ای سرچشمه می‌گیرد ارزنده است. اصولاً اخلاص در کارها و حتی در اندیشیدن خمیرمایه نجات و سعادت و برکت است. جالب اینکه ایمان به «الله» در اینجا مسلم گرفته شده. بنابراین تفکر به خاطر مسائل دیگر است؛ اشاره به اینکه توحید یک امر فطری است که حتی بدون اندیشه نیز روشن است؛

۳. تعبیر به «مثنا و فرادا» (دو دو، یا یک‌یک) اشاره به این است که اندیشه و تفکر باید دور از غوغا و جنجال باشد. مردم به صورت تک‌نفری، یا حداکثر دو نفر دو نفر قیام کنند،

و فکر و اندیشه خود را به کار گیرند؛ چراکه تفکر در میان جنجال و غوغا عمیق نخواهد بود؛ به ویژه اینکه عوامل خودخواهی و تعصب در راه دفاع از اعتقاد خود در حضور جمع بیشتر پیدا می شود؛

بعضی از مفسران نیز احتمال داده اند که این دو تعبیر به منظور این است که افکار «فردی» و «جمعی» یعنی آمیخته با مشورت را فرا گیرد، انسان باید هم به تنهایی بیندیشد، و هم از افکار دیگران بهره گیرد که استبداد در فکر و رأی مایه تباهی است، و همفکری و تلاش برای حل مشکلات علمی به کمک یکدیگر - در آنجا که به جنجال و غوغا نکشد مطمئناً اثر بهتری دارد و شاید به همین دلیل «مثنا» بر «فرادا» مقدم داشته شده است؛

۴. جالب اینکه قرآن در اینجا می گوید: «تتفکروا» (بیندیشید)؛ اما در چه چیز؟ از این نظر مطلق است و به اصطلاح «حذف متعلق دلیل بر عموم است»؛ یعنی در همه چیز، در زندگی معنوی، در زندگی مادی، در مسائل مهم، در مسائل کوچک، و خلاصه در هر کار باید نخست اندیشه کرد، ولی از همه مهم تر، اندیشه برای پیدا کردن پاسخ این چهار سؤال است: از کجا آمده ام؟ آمدنم بهر چه بوده؟ به کجا می روم؟ و اکنون در کجا هستم؟ (مکارم شیرازی، ج ۱۸، ۱۳۷۴، ص ۱۳۶).

قریب به اتفاق مترجمان فارسی زبان قرآن مجید در دوره معاصر نیز عبارت «أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَشْنَىٰ وَفِرَادَىٰ» را به «دوتا دوتا یا تک تک برای خدا قیام کنید»، یا «به پا خیزید»، یا «برخیزید» یا «نهضت کنید» و یا «اقدام کنید» ترجمه کرده اند. برای نمونه بروجردی در ترجمه خود این عبارت را چنین ترجمه کرده است: دو نفر دو نفر یا تک تک درباره امر خدا و دین خود قیام نموده تفکر کنید (بروجردی، ذیل آیه). در ترجمه پورجوادی آمده است: برای خدا دوگان دوگان یا یگان یگان به پا خیزید (پورجوادی، ذیل آیه). بلاغی در حجت التفسیر می نویسد: به نیت اصلاح و فهم حقایق برای خدا دو به دو (برای مشورت) و یک به یک (برای تفکر) قیام کنید (بلاغی، ۱۳۸۶، ج ۵، ص ۲۳۵). در همه این ترجمه ها قیام در آیه شریفه به معنای مجازی اقدام و عمل و نهضت و به پا خاستن ترجمه و تفسیر شده است.

۳. ارزیابی رویکرد مشهور به قیام برای خدا

این دیدگاه و تفسیر از «أَنْ تَقُومُوا» در صورتی که از عبارت مذکور و با قطع نظر از سیاق برداشت کنیم و عبارت یادشده را با قطع نظر از ادامه آیه به صورت مستقل فرض کنیم، قابل دفاع است و

نمی‌توان آن را رد کرد؛ ضمن اینکه فی‌نفسه و به خودی خود نیز مطلب درستی است و می‌توان آیات دیگری از قرآن را برای آن شاهد آورد؛ زیرا هر بنده مسلمان و مؤمنی باید در همه تکالیف اجتماعی دینی خود برای خدا قیام و اقدام کند و عمل خود را برای خدای تعالی خالص گرداند و هر اقدام و عملی را با اندیشه و مشورت توأم سازد. چنان‌که از بعضی عبارات امام خمینی رحمته الله علیه نیز برمی‌آید، ایشان این بخش از آیه را به صورت مستقل دیده و از آیه معنای درستی را برداشت کرده است. امام خمینی رحمته الله علیه به شهادت دوستان و نزدیکانش در همه زندگی سیاسی خود بر طبق این آیه عمل کرد و تمام حرکت و قیام و اقدام خود را در مبارزه با طاغوت و تأسیس حکومتی اسلامی، برای خدا قرار داد.

اما اگر سیاق آیه شریفه در نظر گرفته شود این معنا در تفسیر آیه پذیرفتنی نیست؛ زیرا ظاهر سیاق آیات و همچنین ادامه همین آیه (ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ جِنَّةٍ) دلالت بر آن دارد که مخاطبان این آیه مشرکان هستند نه مسلمانان؛ بنابراین مقصود از قیام، نمی‌تواند دعوت مشرکان به قیام علیه خود باشد. همچنین این قیام برای خدا باید با ادامه آیه شریفه که به اندیشیدن دعوت می‌کند و نتیجه این تفکر را نفی هر گونه جنون و جن‌زدگی از پیامبر خدا معرفی می‌کند، در ارتباط کامل و نزدیکی باشد؛ درحالی‌که معنای یادشده ارتباطی با این موضوع ندارد. آری، چنان‌که گفته شد و از روایات اهل بیت علیهم السلام نیز استفاده می‌شود، چه‌بسا از بخشی از یک آیه معنایی برداشت شود و از بخش دیگرش معنایی دیگر، درحالی‌که اگر کل آن آیه با هم دیده شود، کلامی پیوسته است که بر معنایی دیگر دلالت خواهد داشت (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۷۳؛ طیب‌حسینی، ۱۳۹۵، ص ۱۷۵). با قطع نظر از سیاق، اصل برداشت یادشده از این آیه شریفه بدون اشکال است.

۴. رویکرد دوم به قیام برای خدا در عرصه سیاست

در رویکرد دوم، برعکس رویکرد مشهور، قیام به معنای توقف و بازایستادن از عمل سیاسی و اجتماعی معنا می‌شود؛ اما با بیان این نکته که پرهیز از عمل سیاسی در راستای مقابله و مواجهه با حکومت دینی و به‌ویژه رهبر آن قرار دارد. در این رویکرد بر خلاف رویکرد پیشین و همچنین برخلاف تفسیر مشهور، عبارت «أن تقوموا» را به معنای توقف و بازایستادن از حرکت کورکورانه و کنار کشیدن از اجتماعات و میتینگ‌های سیاسی علیه پیامبر (رهبران دینی) تفسیر کرده‌اند. گویا برای نخستین بار زمخشری با تکیه بر دانش ادبی و بهره‌گیری از فضای نزول و ارانه تحلیلی ادبی از آیه شریفه به این فهم از آیه شریفه رسیده است. وی در تفسیر آیه شریفه می‌نویسد: